

# پژوهشی در زمینه ساختار ارگ و تپه منار در شهر بلقیس (اسفراین کهن) با تأکید بر یافته‌های هفتمین فصل کاوش‌های باستان‌شناختی

احمد نیک‌گفتار<sup>۱</sup> و علی‌اکبر وحدتی<sup>۲</sup>

هفتمین فصل کاوش‌های باستان‌شناختی در محوطه اسلامی شهر بلقیس اسفراین در اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۴ در دو بخش ارگ و شارستان با هدف شناخت بیشتر فضاهای کشف شده در فصل‌های پیشین و تکمیل اطلاعات مربوط به آنها و روشن‌سازی ادامه‌ی بنای ستوندار صورت گرفت. حاصل این کاوش‌ها، علاوه بر مشخص کردن ساختار و کاربری برخی از فضاها در داخل ارگ منجر به روشن شدن بخشی از ساختار معماری و گاهنگاری و کاربری آثار تپه منار گردید.

**کلیدواژگان:** اسفراین، شهر بلقیس، ارگ، تپه منار، بنای ستون‌دار

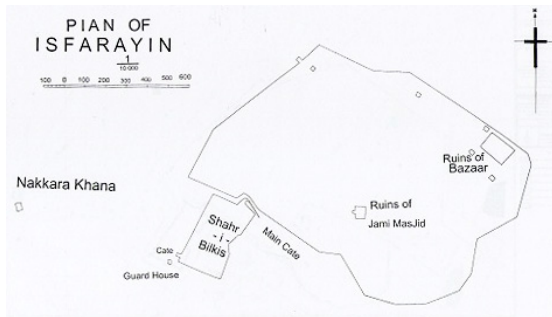
## Research on the Structure of the Citadel and Tappeh Minār of Shahr-e Belqeys (the Old Esfarāyen) with Emphasis on the Results of the Seventh Season of Archaeological Excavations

Ahmad Nikgoftar and Ali-Akbar Vahdati

The seventh season of archaeological excavations at the Islamic city of Belqeys in North Khorasan province in April–May 2015 concentrated on the citadel and the lower town was aimed at clearing up some ambiguities in quarters exposed in previous seasons of excavations, especially unearthing the remaining part of a columned structure exposed before. Not only we reached a better understanding of the structure and function of some spaces within the citadel, we also cleared parts of the architecture thus discerning the function and chronology of the Tappeh Minar area.

**Keywords:** Esfarāyen, Shahr-e Belqeys, Citadel, Tappeh Minār, Columned structure.

۱. پایگاه شهر بلقیس اسفراین  
۲. اداره کل میراث فرهنگی  
خراسان شمالی



نقشه تقسیمات استان خراسان شمالی به تفکیک شهرستان در سال ۱۳۹۰



استقلال نسبی به دست آورد. از این پس تا دوره صفوی، اسفراین از مراکز مهم ضرب سکه در خراسان بود (نیک گفتار و بهنام فر ۱۳۸۸: ۲۷ تا ۴۱). شهر اسفراین در اواخر سلطنت شاه طهماسب دوم و ابتدای حکومت نادرشاه یعنی در سال ۱۱۳۱ هـ. ق بار دیگر و این بار به دست افغان‌ها ویران شد. با وجود این، زاغه‌نشین‌هایی به‌طور مستقل تا اواخر دوره قاجار در فضاهای ارگ بیتوته می‌کردند (وحدتی و نیک گفتار ۱۳۸۸: ۱۶۱).

خرابه‌های شهر تاریخی اسفراین (شهر بلقیس کنونی) به فاصله سه کیلومتری جنوب غرب شهر فعلی اسفراین و شرق روستای جوشقان قرار گرفته است. شهر تاریخی بلقیس، با حدود ۱۵۰ هکتار وسعت، شرایط و ویژگی‌های کامل یک شهر اسلامی را دارد که متشکل از سه بخش ارگ، شارستان و رض است (تصویر ۲). ارگ حدود ۵۲۰۰۰ مترمربع مساحت دارد که در زمان آبادانی (دوره سلجوقی - ایلخانی) ۳۰ برج در اندازه‌های متفاوت از آن حفاظت می‌کرد. شارستان که بیشترین آثار و بقایای معماری در آن قرار دارد در دوره صفوی حدود ۹۰ هکتار وسعت داشته و بارها تخریب و مرمت شده است. با استناد به متون تاریخی و شواهد باستان‌شناختی، در این بخش بناهای عام‌المنفعه از قبیل بازار، حمام، مسجد، رباط و گورستان قرار داشته است که در پی پژوهش‌های باستان‌شناختی، موقعیت برخی از آنان مشخص شده و بررسی آنها همچنان ادامه دارد.<sup>۱</sup> در این مقاله تلاش می‌شود ضمن مرور نظریات پژوهشگرانی که پیشتر در این محوطه کاوش و بررسی کرده‌اند، از رهگذر یافته‌های جدید حاصل از هفتمین فصل کاوش، پیشنهاداتی جدیدی برای ساختار ارگ و تپه منار ارائه کنیم.

### پیشینه دوره پژوهشی

در نوشته‌های سیاحان اروپایی اشاراتی به بقایای شهر بلقیس پیدا می‌شود که گاه اطلاعات ارزشمندی از وضعیت این اثر تاریخی در سده‌های پیشین به دست می‌دهد. از جمله فریزر، سیاح انگلیسی، در سفر به خراسان در سال‌های ۱۸۲۱ و ۱۸۲۲ میلادی در مسیر خود از اسفراین گذشته و به شهر قدیمی اسفراین اشاره کرده که در آن دو مناره و خرابه هنوز باقی بوده است (Frazer 1825: 45). پس از او،



### درآمد

شهرستان اسفراین به مرکزیت شهر اسفراین در جنوب خراسان شمالی و در شمال شرقی ایران قرار گرفته است. این شهرستان از شمال و شمال شرق به شهرستان‌های بجنورد، شیروان و فاروج، از غرب به شهرستان‌های قوچان و نیشابور، از جنوب و جنوب غرب به شهرستان سبزوار و از غرب به شهرستان بجنورد و جاجرم محدود می‌شود (بی‌نا ۱۳۸۴) (تصویر ۱). اسفراین یکی از شهرهای کهن خراسان بزرگ پیش از اسلام (اواخر ساسانی) احداث شده است. این شهر در سال ۳۱ هجری قمری به دست عبدالله بن عامر گشوده شد و مردم آن به تدریج به اسلام گرویدند (بلازری ۱۳۶۴: ۱۵۹). هم‌زمان با حملات مغول و تخریب نیشابور شهر اسفراین هم ویران و برای مدتی از رونق و اهمیت آن کاسته شد. با روی کار آمدن سلسله ایلخانان و ایجاد ثبات سیاسی و تغییر شبکه ارتباطی که در آن نقش نیشابور کاسته و بر اهمیت توس افزوده شد، اسفراین به ویژه از نظر اقتصادی موقعیت ویژه‌ای یافت (وحدتی ۱۳۸۹: ۶۱) و با ضرب سکه

تصویر ۱. نقشه خراسان شمالی و موقعیت شهرستان اسفراین

تصویر ۲. موقعیت شهر بلقیس و محدوده کاوش‌های باستان‌شناسی فصل هفتم در ارگ و شارستان (مآخذ: گوگل ارث، ۱۳۹۶)

تصویر ۳. نقشه سایکس ۱۹۱۱ (مآخذ: Sykes 1911)

۱- این مجموعه بزرگ تاریخی که با توجه به غنا و ارزش‌های تاریخی، فرهنگی و معماری در سال ۱۳۸۰ به شماره ۴۴۹۷ به ثبت آثار ملی درآمده است، در سال ۱۳۸۷ پایگاه میراث فرهنگی مصوب شد و کار آن از سال ۱۳۸۹ با راه‌اندازی تشکیلات اداری پایگاه، برنامه‌های پژوهشی و مرمتی آغاز شد.



شکل ۴. عکس هوایی شهر تاریخی بلقیس در سال ۱۹۳۷ (Schmidt 1940, pl. 60)

انتشار نتایج حاصل از گمانه زنی در قالب کتاب و چند مقاله، توجهات به سوی این مجموعه جلب و در سال ۱۳۸۸ مجموعه شهر بلقیس به عنوان پایگاه میراث فرهنگی مصوب شد. فصل دوم کاوش نیز در همان سال با هدف تعیین گاهنگاری ارگ به انجام رسید (وحدتی و نیک گفتار ۱۳۸۸). فصل سوم کاوش‌ها در سال ۱۳۸۹ (فرجامی و ستوده ۱۳۸۹) و سپس فصل چهارم در سال ۱۳۹۰ با دو هدف عمده پی‌کاو دیوار شارستان و شناخت فضاهای در محدوده ارگ و شارستان با تأکید بر تپه منار صورت گرفت (فرجامی و نیک گفتار ۱۳۹۰). پنجمین فصل کاوش در سال ۱۳۹۱ با هدف شناخت ساختارهای شهری در بخش شارستان (نیک گفتار ۱۳۹۱) و سپس فصل ششم در سال ۱۳۹۳ با هدف شناخت ساختار داخلی ارگ در بخش ارگ انجام شد (نیک گفتار ۱۳۹۳).

### روش کاوش

روش کار در فصل هفتم همانند فصل‌های پیشین، ثبت یافته‌ها در بافت‌های جداگانه (context) بود. در این روش تمام انباشت‌ها و ساختارهای مکشوفه و تمامی یافته‌ها، به ویژه سفالینه‌ها در جداول سفالی و فرم‌های مشخص ثبت و ضبط شد. در این روش با هر تغییر فیزیکی در نهشته‌ها و پیدایی هرگونه سازه جدید یا یافته‌ای که اطلاعات نسبتاً کامل و بافت منسجمی دارد، به آن شماره خاصی داده می‌شود. به‌طور کلی روش کار در این تحقیق از نوع میدانی-کتابخانه‌ای است.

سرپرسی سایکس نیز شهر بلقیس را دیده و نقشه‌ای کلی از بقایای شهر ترسیم کرده است (Sykes 1911) (تصویر ۳).

نخستین باستان‌شناسی که به بقایای این شهر اسلامی توجه کرد، اریخ اشمیت است که در پرواز بر فراز شهرهای ایران در ۱۱ می سال ۱۹۳۷ م تصاویر هوایی از این بقایا تهیه کرده (اشمیت، ۱۳۷۶: ۱۳۹ و ۱۴۰) (تصویر ۴).

با وجود این، تا اوایل دهه ۱۳۴۰ شمسی فعالیت‌های میدانی مستقیم در شهر بلقیس انجام نشده بود. نخستین بار در سال ۱۳۴۶ و در پی اخبار حفريات گسترده غیرمجاز در شهر بلقیس، گروهی از باستان‌شناسان به سرپرستی محمد مشیرپور، از سوی دفتر فنی سازمان ملی حفاظت آثار باستانی خراسان مأمور گمانه‌زنی در این محوطه شدند که گزارش مختصری از آن در بایگانی مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی کشور در دست است (مشیرپور ۶۴۳۱، وحدتی ۱۳۸۶: ۱۹). پس از این، نه تنها محوطه شهر بلقیس به بوته فراموشی سپرده شد، بلکه تا مدت‌ها هیچ‌گونه فعالیت باستان‌شناختی در شهرستان اسفراین انجام نشد. مدت‌ها بعد، زمانی که حفر کانال‌های آب‌رسانی پایاب سد بیدواز به منظور تأمین آب کشاورزی اراضی قصبه اسفراین آغاز گردید و باعث تخریب بخشی از این اثر تاریخی شد، زمینه انجام کاوش‌های باستان‌شناختی در شهر بلقیس فراهم آمد. ابتدا در بهار ۱۳۸۶ علی‌اکبر وحدتی با هدف تعیین عرصه و پیشنهاد حریم محوطه باستانی به مدت دو ماه در این محوطه گمانه‌زنی و محدوده آثار را میله‌کوبی کرد (وحدتی ۱۳۸۹). با

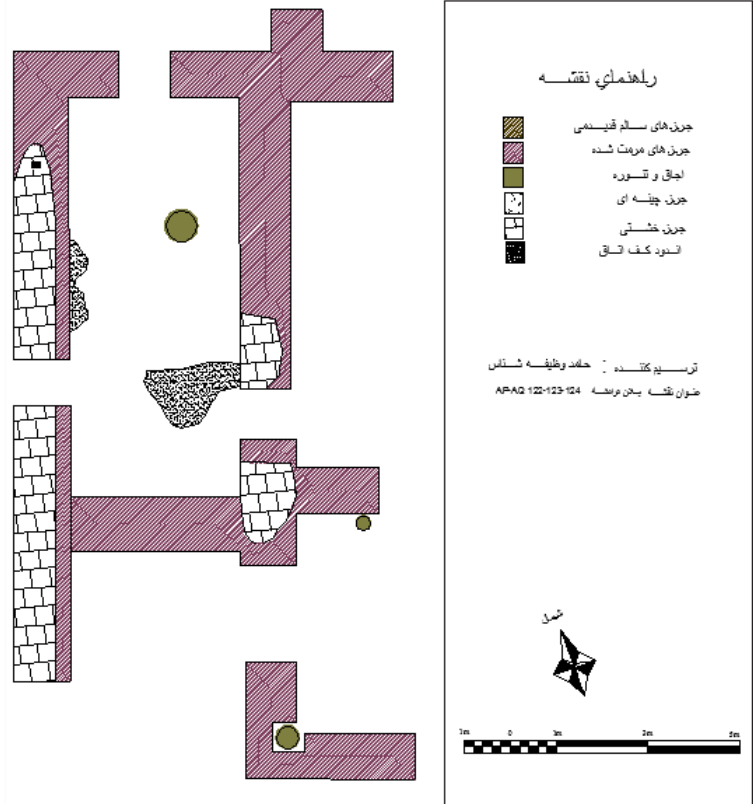


### آثار معماری آشکارشده در داخل ارگ در ترانسه 123-124 AP-AQ:

از مهم‌ترین آثار به‌دست‌آمده در این ترانسه می‌توان به یک حیاط مرکزی اشاره کرد که تمام بازشوهای اتاق‌های مسکونی کشف شده در فصل ششم به این حیاط باز می‌شود. این حیاط مرکزی، در اصل با آجرهایی به ابعاد  $21 \times 21 \times 5$  سانتی‌متر آجرپوش شده بود که آثار داغ آجرها پیدا شد. همچنین حوضی به ابعاد  $320 \times 270$  با عمق ۱۵۰ سانتی‌متر در حیاط مرکزی پیدا شد که دیواری از جنس شفته‌آهک به ضخامت ۲۵ سانتی‌متر دارد. سطح داخلی دیوار با اندود ساروج و کف آن با آجر ساخته شده است. با توجه به شواهد آب از طریق تنبوشه‌های سفالی وارد یک برکه شده و پس از رسوب‌گذاری گل‌ولای و زلال شدن، از مجرای دیگر وارد حوض می‌شده است (تصویر ۵). منبع تأمین آب ارگ هنوز شناسایی نشده و کاوش‌های گسترده‌تر می‌تواند (تصاویر ۶ و ۱۶).

### معماری آشکارشده در تپه منار در ترانسه DJ-DL 118-119:

کاوش در این ترانسه به کشف ۶ ستون آجری به ابعاد  $1 \times 1$  متر منجر شد. این ستون‌ها در بخش شمالی بنا، در امتداد ستون‌های کشف شده در فصول سوم و چهارم پیدا شد. در مجموع در این بخش طی چند فصل کاوش شانزده ستون آشکار شده است (تصویر ۷). مصالح استفاده‌شده در این ستون‌ها آجرهای مستعملی است که ظاهراً از بنای دیگر کنده شده و مجدداً استفاده شده است. این ستون‌ها در چهارسو نما ندارد و در دل دیوارهای خشتی قدیمی‌تر کار شده‌اند، به نحوی که یک سوی ستون‌ها زبره کار شده و مشخص است که در دید نبوده است. بنای خشتی مورد نظر از دالان‌های موازی تشکیل شده که کاربری آن فعلاً مشخص نیست و احتمالاً در سده‌های آغازین دوران اسلامی (سده‌های ۳ و ۴ هجری قمری) ساخته شده و بعدها با احداث ستون‌های آجری در دل دیوارهای آن و ایجاد تغییراتی، مسقف شده و دوباره مورد استفاده قرار گرفته است. در ضلع شرقی این بنای ستوندار، بخشی از یک سیستم آبرسانی پیدا شد که احتمالاً در دوره سلجوقی و پس از متروک شدن بنای خشتی با دالان



### یافته‌ها

#### الف) معماری:

#### آثار معماری آشکارشده در داخل ارگ:

#### ترانسه 125-124 AP-AQ:

کاوش در این ترانسه، منجر به کشف بقایای چهار فضای مسکونی شد که در این بین یک فضا در محدوده کاوش قرار داشت (تصویر ۵) و به‌طور کامل از خاک بیرون آمد. این فضا (بنای مسکونی) پلان مستطیلی به ابعاد  $820 \times 360$  سانتی‌متر دارد و در جهت شمالی-جنوبی ساخته شده است. در این بنا سه درگاه شناسایی شد: درگاه اصلی (شماره ۱) در ضلع شمال که جهت دسترسی به حیاط احداث شده، درگاه دوم (شماره ۲) در شرق که راه دسترسی به اتاق‌های شرقی است، و درگاه سوم (شماره ۳) در غرب که راه دسترسی به اتاق‌های غربی است که پیشتر در سال ۱۳۹۳ کاوش شدند.

عرض درگاه اصلی این بنا ۱۲۰ سانتی‌متر و درگاه‌های دیگر بین ۹۰ تا ۱۰۰ سانتی‌متر است. این بنا مانند سایر بخش‌ها دیوارهای خشتی با پی سنگی و ملاط گل دارد. در کف سازی فضاها، از گچ و گل کوبیده و برای اندود دیوارها از گچ و گل لخری استفاده شده است. تنوره‌های کوچکی در وسط بنا پیدا شد که احتمالاً برای گرم کردن فضا استفاده می‌شده است. دیوارها و کف این بنا حداقل سه مرحله با گچ تجدید اندود شده است.

تصویر ۵. نقشه بقایای معماری مکشوفه در داخل ارگ (مآخذ: نیک گفتار، ۱۳۹۴)

تصویر ۶. دورنمایی از حوض انبار، برکه آب و سیستم آبرسانی مکشوفه از داخل ارگ (مآخذ: نیک گفتار، ۱۳۹۴)



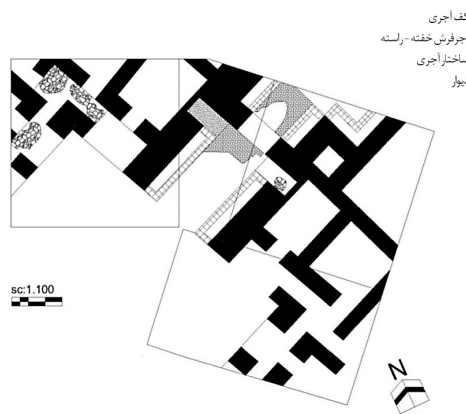
تصویر ۷. آثار معماری به دست آمده از تپه منار، ساختار (مآخذ: نیک گفتار ۱۳۹۴) ستون دار

تصویر ۸. سیستم آبرسانی (مآخذ: نیک گفتار ۱۳۹۴)

تصویر ۹. سیستم آبرسانی مکشوفه از تپه منار در پیچه لایروبی (مآخذ: نیک گفتار ۱۳۹۴)

تصویر ۱۰. آثار معماری به دست آمده از تپه منار (احتمالاً مسجد- مدرسه) (مآخذ: نیک گفتار ۱۳۹۴)

تصویر ۱۱. نقشه بقایای معماری مکشوفه در تپه منار (احتمالاً مسجد- مدرسه) (مآخذ: سلامتی ۱۳۹۴)



های موازی ایجاد شده است. این سازه با استفاده از آجر ساخته شده و مشابه آن در فصل پنجم کشف شده بود. لازم به ذکر است که این سازه نسبت به سازه های پیش گفته در ارتفاع بالاتری قرار دارد. برای روشن شدن بخش های دیگر فضای ستوندار به ادامه کاوش های باستان شناسی نیاز هست (تصویر ۸ و ۹).

### معماری آشکار شده در تپه منار در ترانسه ۱۱۸-۱۱۹ :DP-DS

ساختار به دست آمده از این ترانسه تعدادی راهرو و اتاق است که روی لایه های سده های ۵-۳ هـ ق ساخته شده است. بخشی از این سازه ها در ضلع شمال شرقی تپه منار در کاوش ها کشف شده که از قرار معلوم متعلق به یک بنا بوده و با هم ارتباط دارند. این سازه ها عبارت اند از بقایای ایوان ورودی که آجر فرش شده، بخشی از صحن حیاط، یک حوضچه و رواق های بخش شرقی و غربی بنا که در اطراف حیاط قرار داشته اند.

کف ایوان این بنا با روش خفته-راسته آجر فرش شده است. این ایوان دارای تزئینات گچبری خاص متعلق به قرون ۸-۶ م. ق است. این بنا احتمالاً در دو دوره بازسازی و مرمت شده است. مصالح به کار رفته در آن آجر و ملاط گچ و بی آن با قلوه سنگ و ملاط گچ ساخته شده است (تصویر ۱۰).

با توجه به آثار مکشوفه از جمله ایوان آجر فرش با تزئینات نفیس گچبری از نوع برهشته در دیوارهای راهرو، می توان حدس زد این سازه با توجه به نوع پلان کاربری عام المنفعه داشته و احتمالاً «مسجد- مدرسه» بوده است که پس از تخریب (به دلایل نامشخص) در یک دوره قسمتهایی از آن به یک فضای صنعتی تبدیل شده است. این فضاهای صنعتی شامل کارگاه تولید سفال و ذوب فلزات و آهنگری است که بقایایی از کوره های آنها در کاوش های فصول قبل آشکار شده است. برای دستیابی به اطلاعات دقیقتر، باید کاوش های گسترده تری در این بخش انجام شود (تصویر ۱۱).

**ب) سفال:** تنها مجموعه سفال به دست آمده از کاوش ها که از بستر قابل اطمینان پیدا شده و می توان در تاریخ گذاری و تغییر کاربری بنا اطلاعاتی از آنها استخراج کرد، سفال های به دست آمده از ترانسه

DP-DS118-119 است. این سفال‌های لعاب‌دار شاخص بیشتر از نوع نقاشی زیر لعاب با فن نقوش سیاه در زمینه آبی فیروزه‌ای و گاهی نقوش مشکی و در زمینه شیری و نخودی است. این ظروف خمیره قرمز آجری و نخودی دارند. پخت تمام قطعات سفالی کافی و شاموت به کاررفته در اکثر این سفال‌ها از نوع گیاهی و تعدادی شاموت کانی دارند که این نوع سفال‌ها از لحاظ قدمت به قرون ۸-۷ ه ق تاریخ‌گذاری می‌شود. کشف سه‌پایه‌های سفالی و مخروطی‌ها نشان می‌دهد که این نوع سفال‌ها در خود شهر تولید می‌شده و محلی بوده است (تصویر ۱۲).

**ج) سه‌پایه:** بیش از ۵۰ سه‌پایه از ترانسه DP-DS118-119 پیدا شد. این سه‌پایه‌ها برای قرار دادن سفال بر روی آن‌ها در کوره‌های سفال‌گری استفاده می‌شده است (تصویر ۱۳).

**د) اشیاء سفالی مخروطی شکل:** بیش از ۵۰ عدد مخروط سفالی هم از ترانسه DP-DS118-119 پیدا شد. با توجه به همجواری این مخروط‌ها با سه‌پایه‌ها که در تولید سفال استفاده می‌شد، به نظر می‌رسد این مخروطی‌ها نیز با سفال‌گری و کوره‌های پخت سفال ارتباط داشته باشند (تصویر ۱۴).

**ه) گچ‌بری:** از دیگر یافته‌های ترانسه DP-DS118-119 و DP-DR117-119 می‌توان به گچ‌بری‌ها اشاره کرد که در نوع خود منحصر به فردند. با توجه به محل کشف، این گچ‌بری‌ها به احتمال در ایوان بنا به کار رفته بود که پس از تخریب بنا به صورت توده‌های آوار فرور برشته‌اند. با توجه به فن ساخت، گچ‌بری‌ها از نوع برهشته است. نقوش به کاررفته در این گچ‌بری‌ها اغلب نقوش هندسی به اشکال مثلث، چهارضلعی، پنج‌ضلعی و ستاره‌ای هستند که در بین آنها نقوش اسلیمی و نقش گل از نوع شش پر نیز یافت می‌شود. از روی سبک گچ‌بری‌ها و مواد هم‌بستر با آنها، می‌توان تاریخی بین سده‌های ۶ تا ۸ هجری قمری را برایشان پیشنهاد کرد (تصویر ۱۵).

### بحث و بررسی

با توجه به کاوش‌های انجام‌شده در ارگ و شارستان شهر بلیقیس تا قبل از سال ۱۳۹۳، پژوهشگران نظریاتی طرح می‌کردند که در این بخش ضمن مرور این نظریات، صحت آنها را بر اساس پژوهش‌های جدید بررسی و ارزیابی می‌کنیم.

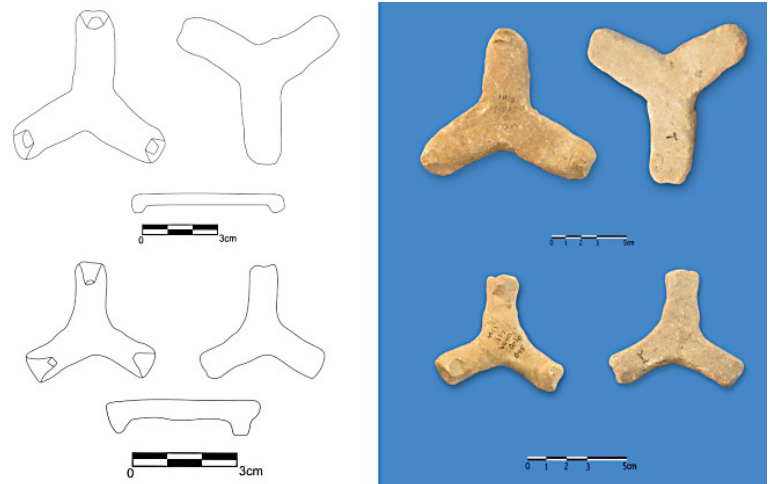
### ۱) ارگ

مشیری در سال ۱۳۵۲ در داخل ارگ چند گمانه باز کرد و بر آن اساس بنای ارگ را بر اساس سفال به دوره صفوی نسبت داد. وی سپس چنین عنوان کرد که نتایج کاوش نمی‌تواند نقطه مبهمی را روشن سازد و این قلعه خشت و گلی ارزش هنری ندارد (مشیرپور، ۱۳۴۶).

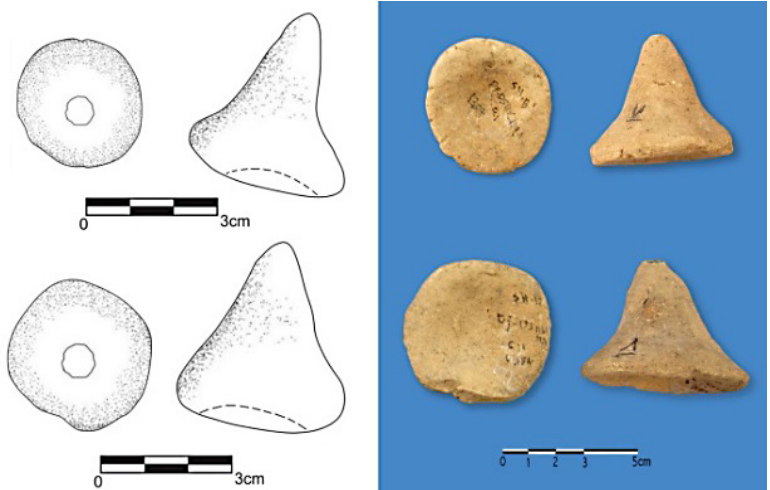
در سال ۱۳۸۸ که نگارندگان چند گمانه در داخل ارگ ایجاد کردند، به دلیل حفاری‌های غیرمجاز و محدود بودن سطح کاوش،



تصویر ۱۲. نمونه سفال‌های به‌دست‌آمده از تپه منار از ترانسه (DP-DS 118-119) (مآخذ: نیک گفتار، ۱۳۹۴)



تصویر ۱۳. نمونه سه‌پایه‌های سفالی به‌دست‌آمده از تپه منار از ترانسه (DP-DS 118-119) (مآخذ: نیک گفتار، ۱۳۹۴)



تصویر ۱۴. نمونه اشیاء مخروطی شکل به‌دست‌آمده از تپه منار از ترانسه (DP-DS 118-119) (مآخذ: نیک گفتار، ۱۳۹۴)



سبک معماری شهرهای اسلامی، اغلب بازار مرتبط با مسجد بوده است (پور احمدی ۱۳۹۰: ۳۰ و ۳۱) و در شهر بلقیس هم بقایای بازار در ۵۰ متری شمال منار تپه قرار دارد. از این رو می‌توان مدعی شد مناسب‌ترین گزینه برای مسجد شهر بلقیس همین منار تپه است. به علاوه و مهمتر از همه، نتایج چند فصل اخیر کاوش‌های باستان‌شناختی در این محل باعث کشف آثاری از جمله یک ورودی با گچ‌بری‌های نفیس و بقایای صحنی با رواق‌های پیرامونی شده که به نظریه مسجد بودن منار تپه قوت می‌بخشد.

براساس کاوش‌های صورت گرفته از دیدگاه گاهنگاری می‌توان شروع استقرار را در تپه منار به اولین سده‌های اسلام نسبت داد که در این مرحله ساختارهای خشتی با کاربری‌های نامشخص در این محل ایجاد شده است (فرجامی و ستوده ۱۳۸۹). در سده‌های سوم-چهارم هجری با احداث شانزده ستون آجری در بخشی از این ساختار تغییر کاربری صورت گرفته است. به دلیل تخریب‌های صورت گرفته در ضلع غربی و شمالی و قرارگیری لایه‌های جدیدتر با ساختار معماری قوی در ضلع شرقی و شمال شرقی از ادامه فضای ستوندار اطلاعاتی حاصل نگردید (نیک گفتار ۱۳۹۴): اما در مورد ساختار فوقانی «فضای صنعتی» یا «فضای مرکزی یا عمومی» که کاوشگران در مورد تاریخ و کاربری آن نظرانی مطرح کرده‌اند با توجه به یافته‌ها و ساختار معماری به‌دست‌آمده از فصل هفتم کاوش باستان‌شناختی چنین به نظر می‌آید که این ساختار یک بنای عمومی، احتمالاً مسجد-مدرسه از نوع نظامیه‌های سلجوقی بوده که در دوره ایلخانی به دلایل نامشخص به یک کارگاه صنعتی تبدیل شده و به احتمال تا اواخر دوره تیموری به این روند بوده است. نظریه وحدتی که معتقد است در دوره ایلخانی در این بخش یک فضای صنعتی ایجاد شده با شواهد جدید مورد تأیید است اما در مورد مسجد جامع دوره صفوی که در متون از آن یاد شده می‌توان گفت بقایای آن را شاید بتوان در لایه‌های فوقانی در ضلع غربی تپه منار ردیابی کرد که به کاوش‌های باستان‌شناختی نیاز دارد.

### نتیجه‌گیری

با کاوش در دو بخش ارگ و شارستان شهر تاریخی بلقیس توانستیم تا حدودی پرسش‌های مطرح در ارگ و شارستان و نظریات ارائه‌شده را در این باب پاسخ دهیم: یکی از مهم‌ترین پرسش‌ها و اهداف در محدوده ارگ شهر تاریخی بلقیس، به دلیل تخریب‌ها به دست سودجویان نظر بر این بود که در این بخش نمی‌توان به ساختار منسجمی از معماری دست‌یافت و ساختار موجود در ارگ هم به عقیده آقای محمد مشیرپور فاقد ارزش معماری و تاریخی است. جهت پاسخگویی به این پرسش و برای مشخص کردن ساختارهای موجود در وسط ارگ، دو ترانشه ایجاد شد. آثار به‌دست‌آمده از این دو ترانشه نشان می‌دهد ساختار داخلی ارگ از چندین دوره (قرون ۶ تا ۱۲ ه.ق) تشکیل شده و صرفاً به دوره صفوی متعلق نبوده و ساختار معماری منسجم و منظمی داشته است که با کاوش‌های باستان‌شناختی در فصول آتی می‌توان به اطلاعات مفید و ارزشمندی از این

ایجاد سه ترانشه در تپه منار صورت گرفت که اطلاعات ارزشمندی از نوع معماری و فضاهای موجود در تپه منار در اختیار گذاشت (نیک گفتار ۱۳۹۴). به‌طورکلی، طبق کاوش‌های صورت گرفته دو نظریه برای ساختارهای منار تپه مطرح شده است: نظریه اول یا «فضای صنعتی»: این نظریه در نخستین فصل کاوش در سال ۱۳۸۸ از سوی وحدتی ارائه شد. او با توجه به شواهد کشف شده در «کارگاه خواناسازی شماره ۴» از جمله حجم زیاد خاکستر و سرباره‌های فلز و عدم استفاده از فنون معماری پیشرفته در ساختار تپه منار بر اساس برش‌های اطراف تپه منار و از سویی نبود تزیینات شاخص همچون کاشی به این نتیجه رسید که تپه منار حداقل در دوره مغول و پس از آن کاربری مسجد نداشته و در آن فعالیت‌های صنعتی انجام می‌شده است (وحدتی ۱۳۸۶: ۲۷۹). او مطرح می‌کند برخلاف تصور رایج که این تپه را بقایای مربوط به مسجد شهر قدیم اسفراین دانسته‌اند (توحیدی ۱۳۷۴: ۷۴؛ نیز کیانی ۱۳۷۴: ۳۱۴) این خرابه‌ها ارتباطی به مسجد و یا هرگونه بنای مذهبی نداشته و دست‌کم از قرون میانه اسلامی به این سوی یک فضای صنعتی بوده است (همان، ۲۹۲).

نظریه «فضای مرکزی یا عمومی»: این نظریه با توجه نتایج فصل سوم کاوش در سال ۱۳۸۸ در تپه منار از سوی فرجامی و ستوده مطرح شد (فرجامی و ستوده ۱۳۸۹). ایشان براساس سفال‌های به‌دست‌آمده از ترانشه «H5» این سازه را به سده‌های ۴-۳ ه.ق تاریخ‌گذاری کرده و در مورد ساختار ترانشه «H1» و «H4» کاربری سازه‌ها با بنایی مرکزی و عمومی مربوط می‌دانند که می‌توانسته یک بنای حکومتی، مسجد، یا بنای عام‌المنفعه دیگر باشد. این بنای عمومی بر اساس سفالینه‌ها و دیگر یافته‌ها به سده هشتم هجری قمری نسبت داده شده که پس از آن تخریب و چون یک کارگاه فلزکاری مورد استفاده قرار گرفته است (فرجامی و ستوده ۱۳۸۹).

حال با توجه به اشارات متون تاریخی، داده‌های باستان‌شناختی و اطلاعات محلی به ارزیابی این سوال می‌پردازیم که آیا تپه منار محل مسجد جامع اسفراین قدیم هست یا نه:

بسیاری از مورخان معاصر و مردم محلی، بقایای توده‌های آجری را که به‌صورت تپه‌ای برجسته در اراضی داخل شارستان قرار دارد «تپه منار» می‌خوانند. این نام در نگاه نخست به معنای جایی است که در آن مناره وجود داشته است. هرچند مردم محلی بیان می‌کنند که به این محل از گذشته (حداقل از حدود ۸۰ سال پیش) تپه منار می‌گویند، ولی دلیل این وجه تسمیه را نمی‌دانند. از دیگر سو، سایکس در سال ۱۹۱۱ میلادی براساس بازدید میدانی، محل تپه منار را بقایای مسجد شهر اسفراین معرفی کرده و بیان می‌کند بنای مسجد پنجاه سال پیش از بازدید او تخریب شده است (Sykes ۱۹۱۱) بررسی متون تاریخی از جمله دوره صفوی (منجم ۱۳۶۶: ۱۳۷) نشان می‌دهد مصالح به‌کاررفته در مسجد جامع اسفراین آجر بوده است. بررسی‌های سطحی در محدوده شهر بلقیس نشان می‌دهد تنها نقطه‌ای که انبوه قطعات آجر در آن وجود دارد و با توجه به نزدیکی به ارگ می‌توان تصویر کرد برای پرکردن خندق از مصالح آن استفاده شد. همین منار تپه است. از سوی دیگر، در

ساختارها دست یافت.

دومین مسئله و هدف مربوط به شارستان در بخش معروف به تپه منار بود. همان‌طور که ذکر شد در مورد ساختار این بخش طبق اشارات متون تاریخی و کاوش‌های باستان‌شناختی دو نظریه بیان شده است. با توجه بررسی متون تاریخی، گزارش سفرنامه نویسان و شواهد باستان‌شناختی به این نتیجه رسیدیم ساختار معماری به دست آمده تا قبل از قرن پنجم از نظر کاربری به دلیل تغییرات متعدد در ساختار معماری (تبدیل چندین دالان خشتی به یک ساختار ستوندار) و ناهمگونی مواد فرهنگی ماهیتی نامشخص دارد، اما از قرن ۷-۵ هجری با توجه به ساختار معماری مکشوفه و دیگر یافته‌های باستان‌شناختی می‌توان احتمال داد روی ساختار قرون سوم-چهارم یک ساختار معماری قوی، احتمالاً مسجد-مدرسه (قرون ۷-۶ هجری) ساخته شده و پس از تخریب در دوره ایلخانی- تیموری به‌عنوان یک فضای صنعتی تغییر کاربری یافته است. این فضا در نهایت در دوره صفویه احتمالاً محل مسجد جامع بوده که ساختار آن را شاید بتوان در بالاترین لایه‌های منار تپه یافت که روشن شدن آن به کاوش‌های باستان‌شناختی بیشتر نیاز دارد.

### سیاسگزاری

از جناب آقای نجفی، مدیر محترم پایگاه شهر تاریخی بلقیس، به جهت فراهم نمودن زمینه‌های کاوش، جناب آقای جعفر خسروی معاون هیئت کاوش در فصل هفتم و آقای وظیفه‌شناس کارشناس پایگاه برای برداشت و ترسیم پلان‌ها تشکر می‌کنیم.

### منابع و مآخذ

اشمیت، اریک. ۱۳۷۶. پرواز بر فراز شهرهای باستانی ایران. ترجمه آرمان شیشه‌گر، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.  
بی‌نا. ۱۳۸۴. فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور. استان خراسان شمالی: شهرستان اسفراین. تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی و وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح.  
بلازری، احمد بن یحیی، ۱۳۶۴، فتوح البلدان، ترجمه آذرتاش آذرنوش، چاپ دوم، تهران، انتشارات سروش.  
توحیدی، کلیم‌الله، ۱۳۸۴، اسفراین: دیروز، امروز، مشهد: انتشارات واقفی.  
روشنی زعفران‌لو، قدرت‌الله. ۱۳۶۶. «اسفراین-بلقیس»، شهرهای ایران. جلد ۲. به کوشش محمد یوسف کیانی تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.  
فدایی، سید احمد. ۱۳۷۳. جغرافیای شهرستان اسفراین، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

فرجامی، محمد و آسیه ستوده. ۱۳۸۹. گزارش کاوش فصل سوم شهر تاریخی بلقیس اسفراین. آرشیو پایگاه شهر تاریخی بلقیس اسفراین (منتشرنشده).  
فرجامی، محمد و احمد نیک گفتار. ۱۳۹۰. گزارش کاوش فصل چهارم شهر تاریخی بلقیس اسفراین. آرشیو پایگاه شهر تاریخی بلقیس اسفراین (منتشرنشده).  
کلاویخو، ۱۳۷۴. سفرنامه کلاویخو، ترجمه مسعود رجب نیا. چاپ سوم، تهران، نشر علمی و فرهنگی.  
مستوفی، حمدالله. ۱۳۳۶. زهه القلوب. ترجمه محمد دبیرسیاقی. تهران: انتشارات طهوری.  
مستوفی، حمدالله، با اهتمام و تصحیح گای لسترنج. ۱۳۶۲. زهه القلوب. تهران: نشر دنیای کتاب. چاپ اول.  
مشیرپور، محمد. ۱۳۴۶. گزارش گمانه‌زنی شهر خرابه بلقیس (اسفراین). تهران: مرکز اسناد وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی (گزارش منتشر نشده).  
منجم، ملاجلال، ۱۳۶۶. تاریخ عباسی یا روزنامه ملاجلال. به کوشش سیف‌الله وحید نیا، چاپ اول.  
منشی، اسکندربیگ، ۱۳۷۷. عالم‌آرای عباسی ج ۱ و ۲. دنیای کتاب. تصحیح دکتر محمد اسماعیل رضوانی. تهران.  
نیک گفتار، احمد. ۱۳۸۷. بررسی باستان‌شناختی پهنه فرهنگی شهر اسفراین در دوران اسلامی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی. گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران.  
نیک گفتار، احمد و محمدحسن بهنام فر. ۱۳۸۷. معرفی و شناسایی سکه‌های ضرب شده در شهر اسفراین. مشهد. انتشارات راهیان سبز.  
نیک گفتار، احمد. ۱۳۹۱. گزارش کاوش فصل پنجم شهر تاریخی بلقیس اسفراین. آرشیو پایگاه شهر تاریخی بلقیس اسفراین (منتشرنشده).  
نیک گفتار، احمد. ۱۳۹۲. «تتایج فصل پنجم کاوش در شهر بلقیس (اسفراین کهن)»، همایش ملی باستان‌شناسی ایران، دانشکده هنر، دانشگاه بیرجند.  
نیک گفتار، احمد. ۱۳۹۳. گزارش کاوش فصل ششم شهر تاریخی بلقیس اسفراین. آرشیو پایگاه شهر تاریخی بلقیس اسفراین (منتشرنشده).  
وحدتی، علی اکبر. ۱۳۸۶. گزارش گمانه‌زنی برای تعیین حریم شهر بلقیس. اسفراین. بایگانی مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی کشور. تهران.  
وحدتی، علی اکبر و احمد نیک گفتار. ۱۳۸۸. گزارش کاوش ارگ شهر تاریخی بلقیس اسفراین. آرشیو پایگاه شهر تاریخی بلقیس اسفراین (منتشرنشده).  
وحدتی، علی اکبر و احمد نیک گفتار. ۱۳۸۹. پژوهش‌های باستان‌شناختی در شهر بلقیس (اسفراین کهن). بجنورد. انتشارات اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خراسان شمالی. چاپ اول. ص ۳۵

### غیرفارسی:

Fraser, J. B. 1825 *Narrative of a Journey into Khorasān in the Years 1821 and 1822*, London.  
Sykes, P. M. 1911 'A Sixth Journey in Persia', *The Geographical Journal* 37: 1-19.

